



گفتارهای

مِنْصُورِ هَاشِمِي خَرَّاسَانِي

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. مقدمات؛ حجت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ روایات رسیده از خلفاء خداوند
۲. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ عترت و اهل بیت پیامبر خاتم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهار گفتار از آن جناب درباره‌ی بهترین حدیثی که روایت شده است.

۱. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الشَّيرَازِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ الْهَاشِمِيَّ الْخُرَاسَانِيَّ يَقُولُ: إِنَّ أَحْسَنَ حَدِيثٍ رَوَاهُ الْمُحَدِّثُونَ: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، نَبَأَنِي بِذَلِكَ اللَّطِيفُ الْحَبِيبُ!» قُلْتُ: وَاللَّهِ لَوْ عَلِمَ أَهْلُ دِيَارِي بِهَذَا لَقَرَّتْ أَعْيُنُهُمْ! قَالَ: وَلَمْ ذَلِكَ يَا مُحَمَّدٌ؟ وَهَلْ هُمْ إِلَّا قَوْمٌ يُعَادُونَ أَهْلَ الْبَيْتِ؟! قُلْتُ: وَكَيْفَ يُعَادُونَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَهُمْ يَتَشَيَعُونَ؟! قَالَ: يُعَادُونَنِي وَأَنَا أَدْعُو إِلَى أَهْلِ الْبَيْتِ، فَيُعَادُونَ أَهْلَ الْبَيْتِ!

ترجمه‌ی گفتار:

محمد بن ابراهیم شیرازی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور هاشمی خراسانی می‌فرماید: بهترین حدیثی که محدثان روایت کرده‌اند این است: «هرآینه من در میان شما دو گرانمایه را بر جا می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم که اهل بیتم هستند، تا هنگامی که به آن دو تمسک جوید هرگز گمراه نمی‌شوید و هرآینه آن دو از هم جدایی نمی‌پذیرند تا هنگامی که نزد حوض بر من وارد شوند، باریک‌بین آگاه من را به این خبر داده است!». گفتم: به خدا سوگند اگر اهل سرزمین من از این آگاهی یابند، چشمشان روشن می‌شود! فرمود: برای چه ای محمد؟! مگر آنان جز گروهی هستند که با اهل بیت دشمنی می‌کنند؟! گفتم: چگونه با اهل بیت دشمنی می‌کنند در حالی که تشیع می‌ورزند؟! فرمود: با من دشمنی می‌کنند در حالی که من به سوی اهل بیت دعوت می‌کنم، پس با اهل بیت دشمنی می‌کنند!

۲. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْهَرَوِيُّ، قَالَ: كُنْتُ رَجُلًا مُولَعًا بِالْحَدِيثِ، فَدَخَلَ عَلَيَّ الْمَنْصُورُ

يَوْمًا وَبَيْنَ يَدَيَّ كُتُبٌ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ، فَقَالَ: مَا هَذِهِ الْكُتُبُ بَيْنَ يَدَيْكَ يَا مُحَمَّدٌ؟! قُلْتُ: كُتُبُ حَدِيثٍ جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَقَالَ مُتَعَجِّبًا: كَلِّهَا؟! قُلْتُ: نَعَمْ وَاللَّهِ كَلِّهَا! فَأَخَذَ بِيَدِهِ كِتَابًا يَتَصَفَّحُ، فَوَجَدْتُ فِي وَجْهِهِ الْكَرَاهِيَةَ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، كَأَنَّكَ لَا يُعْجِبُكَ الْحَدِيثُ! قَالَ: مَا قَلَّ مِنْهُ فَهُوَ خَيْرٌ! قُلْتُ: فَأَرْشِدُنِي إِلَى شَيْءٍ مِنْهُ أَخَذُ بِهِ وَأَدْعُ مَا سِوَاهُ! فَقَالَ: حَسْبُكَ مِنَ الْحَدِيثِ «إِنِّي تَارِكٌ» وَلِيُكْتَبَ بِمَاءِ الدَّهَبِ! قُلْتُ: أَنْتَ تَقُولُ هَذَا وَقَدْ أَعْرَضَ عَنْهُ الْمُحَدِّثُونَ! قَالَ: أَلَمْ يَصْحَحُوهُ؟! قُلْتُ: بَلَى، وَلَكِنَّهُمْ قَدْ أَعْرَضُوا عَنْهُ! قَالَ: مَا مِنْ خَيْرٍ إِلَّا وَقَدْ أَعْرَضَ عَنْهُ الْمُحَدِّثُونَ!

ترجمه‌ی گفتار:

محمد بن عبد الرحمن هروی ما را خبر داد، گفت: من کسی بودم که سخت به حدیث علاقه داشتم، پس روزی جناب منصور بر من وارد شد در حالی که پیش رویم کتاب‌هایی بود که برخی بر روی برخی دیگر قرار داشت، پس فرمود: این کتاب‌ها پیش رویت چیست ای محمد؟! گفتم: کتاب‌های حدیث است فدایت شوم! با تعجب فرمود: همه‌اش؟! گفتم: بله به خدا قسم، همه‌اش! پس یکی از کتاب‌ها را در دست گرفت و شروع به ورق زدن کرد، تا آنکه کراهت را در روی او دیدم، پس گفتم: فدایت شوم، گویا حدیث را نمی‌پسندید! فرمود: هر چه از آن کمتر باشد، بهتر است! گفتم: در این صورت، من را به چیزی از آن ارشاد بفرمایید تا به آن اخذ کنم و غیر آن را واگذارم! فرمود: از حدیث «هرآینه من بر جامی گذارم» تو را بس است و باید با آب طلا نوشته شود! گفتم: شما این را می‌فرمایید در حالی که محدثان از آن روی گرفته‌اند! فرمود: آیا نه این است که آن را صحیح شمرده‌اند؟! گفتم: چرا، ولی از آن روی گرفته‌اند! فرمود: هیچ خیری نیست مگر اینکه محدثان از آن روی گرفته‌اند!

شرح گفتار:

روشن است که علت کراهت این بزرگوار از احادیث فراوان، از یک سو دروغ‌ها و دستبردهای فراوانی است که در آن‌ها راه یافته و بسیاری از آن‌ها را در تقابل با کتاب خداوند و سنت متواتر پیامبر و نیز عقل سلیم قرار داده و از سوی دیگر سرگرمی و اشتغال مفرطی است که برای مسلمانان ایجاد کرده و آنان را از رجوع مستقیم به خلیفه‌ی خداوند و خلیفه‌ی پیامبرش باز داشته؛ چنانکه در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» مبحث «رواج حدیث‌گرایی» و نیز برخی گفتارهای نورانی آن جناب به تفصیل توضیح داده شده است.

۳. أَخْبَرَنَا عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ عَبْدِ الْقَيْوَمِ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: لَوْ اسْتَطَعْتُ لَمَحَوْتُ الْحَدِيثَ كُلَّهُ إِلَّا «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي: كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي»، فَإِنَّ فِيهِ كِفَايَةً، وَلَوْ كُنْتُ مُبْقِيًا سِوَاهُ لَأَبْقَيْتُ: «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهَدِيِّينَ مِنْ بَعْدِي، فَتَمَسَّكُوا بِهَا وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ»!

ترجمه‌ی گفتار:

عبد السلام بن عبد القیوم ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: اگر می‌توانستم همه‌ی حدیث را پاک می‌کردم مگر «هرآینه من در میان شما چیزی را بر جا می‌گذارم که اگر به آن تمسک جوید هرگز پس از من گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و عترتم که اهل بیتم هستند»؛ چرا که در آن کفایت است و اگر چیزی جز آن را باقی می‌گذاشتم هرآینه این را باقی می‌گذاشتم: «بر شما باد به سنت من و سنت خلفاء راشد و مهدی بعد از من، پس به آن تمسک جوید و آن را با دندان بگیرید!».

۴. أَخْبَرَنَا هَاشِمُ بْنُ عُبَيْدِ الْجُنْدِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْعَالِمَ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: خَيْرُ حَدِيثٍ حَدَّثَ النَّاسُ بِهِ: «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ بَعْدِي، فَتَمَسَّكُوا بِهَا وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالتَّوَّاجِدِ!» قُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! هَذَا حَدِيثٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالدَّارِمِيُّ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَغَيْرُهُمْ، وَلَكِنْ مَا أَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِهَؤُلَاءِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ؟ فَالْتَمَعْتُ إِلَيْهِ وَقَالَ: يَا أَخَا أَهْلِ حُجَنْدٍ! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَا قَالَ قَوْلًا إِلَّا وَبَيْتَهُ لِلنَّاسِ، قَبْلَهُ مِنْ قَبْلِهِ وَرَفَضَهُ مَنْ رَفَضَهُ! أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَهُ: «يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»؟! قُلْتُ: بَلَى، هَذَا حَدِيثٌ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ وَأَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَغَيْرُهُمْ، وَلَكِنْ مَا أَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِهَؤُلَاءِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ الْإِثْنِي عَشَرَ مِنْ قُرَيْشٍ؟! فَإِنَّ النَّاسَ اخْتَلَفُوا فِيهِ! قَالَ: مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْبًا بَبَيْتِهِمْ! أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»؟! قُلْتُ: بَلَى، هَذَا حَدِيثٌ رَوَاهُ ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ وَأَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَغَيْرُهُمْ، وَلَكِنْ مَا أَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِهَؤُلَاءِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ الْإِثْنِي عَشَرَ مِنْ عِثْرَتِهِ أَهْلَ بَيْتِهِ؟! فَإِنَّ النَّاسَ لَا يَعْرِفُونَهُمْ! قَالَ: دَعِ النَّاسَ، فَإِنَّهُمْ يُرِيدُونَ أَنْ لَا يَعْرِفُوهُمْ! أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يَقْسِمُ الْمَالَ وَلَا بَعْدَهُ»؟! وَقَوْلَهُ: «الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»؟! فَالْمَهْدِيُّ مِنَ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ الْإِثْنِي عَشَرَ مِنْ عِثْرَتِهِ أَهْلَ بَيْتِهِ! فَمَنْ تَمَسَّكَ بِسُنَّتِهِ فَقَدْ تَمَسَّكَ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَطَاعَ أَمْرَهُ، وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْهَا فَلَا أَرْعَمَ اللَّهُ إِلَّا بِأَنْفِهِ، أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ!

ترجمه‌ی گفتار:

هاشم بن عبید خجندی ما را خبر داد، گفت: شنیدم عالم (یعنی منصور) خطاب به یارانش می‌فرماید: بهترین حدیثی که مردم روایت کرده‌اند این است: «بر شما باد به سنت من و سنت

خلفاء راشد و هدایت یافته بعد از من، پس به آن تمسک جوئید و آن را با دندان بگیریید!». گفتم: خداوند کار شما را سامان دهد! این حدیثی است که احمد، دارمی، ترمذی، ابن ماجه و دیگران روایت کرده‌اند، ولی منظور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از این خلفاء راشد و هدایت یافته بعد از او چه کسانی بود؟! پس آن جناب به من توجه نمود و فرمود: ای برادر اهل خجد! بی گمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سخنی را فرمود مگر اینکه آن را برای مردم تبیین نمود، هر کس آن را پذیرفت پذیرفت و هر کس آن را نپذیرفت نپذیرفت! آیا سخن آن حضرت را نشنیده‌ای که فرمود: «بعد از من دوازده خلیفه‌اند که همه‌ی آنها از قریش هستند»؟! گفتم: بله، این حدیثی است که بخاری، مسلم، ابو داوود، ترمذی و دیگران روایت کرده‌اند، ولی منظور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از این دوازده خلیفه‌ی راشد و هدایت یافته از قریش، چه کسانی بود؟! چرا که مردم در این باره اختلاف کردند! فرمود: آنان در این باره اختلاف نکردند مگر از روی کینه‌توزی پس از آنکه برایشان علم حاصل شد! آیا سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را نشنیده‌ای که فرمود: «من در میان شما دو خلیفه را بر جای می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم که اهل بیتم هستند و آن دو هرگز از هم جدایی نمی‌پذیرند تا هنگامی که نزد حوض بر من وارد شوند»؟! گفتم: بله، این حدیثی است که ابن ابی شیبیه، احمد، ترمذی، نسائی و دیگران روایت کرده‌اند، ولی منظور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از این دوازده خلیفه‌ی راشد و هدایت یافته از عترتش که اهل بیتش هستند، چه کسانی بود؟! چرا که مردم آنها را نمی‌شناسند! فرمود: مردم را واگذار؛ زیرا آنان می‌خواهند که آنها را نشناسند! آیا سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را نشنیده‌ای که فرمود: «در آخر الزمان خلیفه‌ای خواهد بود که مال را تقسیم می‌کند بدون اینکه آن را بشمارد» و فرمود: «مهدی از عترت من از نسل فاطمه است»؟! پس مهدی از دوازده خلیفه‌ی راشد و هدایت یافته از عترت و اهل بیت پیامبر است و با این وصف، هر کس به سنت او تمسک جوید، به سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تمسک جسته و امر او را اطاعت کرده است و هر کس از آن روی بگیرد، خداوند جز بینی او را بر خاک نمی‌مالد و آنان در گمراهی دوری هستند!



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصورهاشمی خراسانی



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصورهاشمی خراسانی: حفظه الله تعالى



صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک وبسایت پایگاه

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.